بسم الله الرحمن الرحیم

تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی دام برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	۱۰	تاریخ	۱۴۰۵ / ۰۸ / ۱۳
عنوان ۱	مواقیت الصلاة				
عنوان ۲	ادلهٔ قائلین به اتمام شب با طلوع فجر ❖ ادلهٔ روایی و قرآنی بر پایان شب با طلوع فجر (نصف‌اللیل حقیقی) ➢ استدلال به دستهٔ دوم آیات (آیات سورهٔ بقره دربارهٔ روزه) ➢ استدلال به دستهٔ سوم آیات (آیات سورهٔ مدثر) ➢ دلیل چهارم: استدلال به روایات در پایان یافتن شب با فجر ▪ طایفهٔ اول: قضا شدن نماز شب با طلوع فجر ▪ طایفهٔ دوم: تصریح روایات بر پایان یافتن شب با طلوع فجر				

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سیّدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

این جلسه در چند بند زیر خلاصه می‌شود:

نخست: دلالت آیات سورهٔ بقره و مدثر بر پایان شب با طلوع فجر

استاد حفظه الله ضمن ادامهٔ استدلال به آیات قرآن برای اثبات این مدعا که «نصف‌اللیل» میانهٔ غروب تا طلوع فجر است، به دو گروه از آیات اشاره کردند. در آیات سورهٔ بقره (آیهٔ ۱۸۷)، حلیت همبستری در «لیلة الصیام» با پدیدار شدن «خیط ابیض من الفجر» (سپیدهٔ صبح) به پایان می‌رسد که نشان می‌دهد فجر، پایان شب شرعی است. همچنین در آیات سورهٔ مدثر، تقابل میان «أدبر» (پایان یافتن شب) و «أسفر» (روشن شدن صبح) نشان می‌دهد که صبح دقیقاً در لحظهٔ پایان شب آغاز می‌گردد. «إسفار» در لغت عرب نیز به معنای روشن شدن هوا پیش از طلوع آفتاب است.

دوم: استدلال به روایات (طایفهٔ اول: قضا شدن نماز شب)

استاد حفظه الله به طایفهٔ اول از روایات -نظیر مصحّحهٔ مفضل بن عمر و روایت جمیل بن درّاج- استناد جستند که در آنها صراحتاً بیان شده خواندن نماز شب پس از طلوع فجر، «قضا» محسوب می‌شود. از آنجا که ظرف ادای نماز شب «لیل» است، قضا شدن آن به‌روشنی دلالت بر پایان یافتن

شب با طلوع فجر دارد. همچنین در حاشیهٔ این بحث، از وثاقت و جلالت قدر مفضل بن عمر دفاع کرده و روایات مذمت او را حمل بر تقیه و پوشش امنیتی دانستند.

سوم: استدلال به روایات (طایفهٔ دوم: خوف از فرارسیدن صبح)

در بررسی طایفهٔ دوم روایات ـ همانند صحیحهٔ اسماعیل بن جابر و علی بن عبدالعزیز ـ استاد حفظه‌الله به واژگان «أخاف الصبح» و «أتخوّف الفجر» از سوی راویان استناد کردند. این دلهره و ترس از فرارسیدن صبح در هنگام ادای نماز شب در آخر لیل، به دلالت التزامی واضح نشان می‌دهد که در ارتکاز متشرعه، طلوع صبح و فجر مترادف با پایان یافتن زمان شب بوده است؛ لذا امام علیه‌السلام برای درک وقت، دستور به خلاصه‌خواندن نماز می‌دهند.

*** *** ***

ادلهٔ روایی و قرآنی بر پایان شب با طلوع فجر (نصف‌اللیل حقیقی)

پیش‌تر بیان کردیم که یکی از ادلهٔ متقن بر اینکه «نصف‌اللیل» (نیمه‌شب) به میانهٔ فاصلهٔ غروب آفتاب تا طلوع فجر اطلاق می‌شود، آیات و روایاتی است که دلالت دارند شب (لیل) با طلوع فجر به پایان می‌رسد؛ البته این امر علاوه بر ادلهٔ تبادر و اجماع است که قبلاً مطرح شد.

بنابراین، هم اجماع، هم تبادر، هم آیات کریمهٔ قرآنی و هم روایات بر این معنا دلالت دارند. در مبحث استدلال به آیات، اشاره کردیم که آیات در این زمینه متعدد است. مرحوم علامهٔ مجلسی پیش از صاحب جواهر، باب مفصلی در بحارالانوار به همین موضوع (اینکه نصف‌اللیل نصف فاصلهٔ غروب تا طلوع فجر است) اختصاص داده و آیات بسیاری را ذکر کرده‌اند. صاحب جواهر نیز به این آیات استناد جسته‌اند.

از آنجا که بیان تمام آیات طولانی می‌شد، تصمیم گرفتیم به سه مجموعه از آیات اشاره کنیم. مجموعهٔ اول (آیات سورهٔ قدر) را در جلسهٔ پیشین بررسی کردیم.

استدلال به دستهٔ دوم آیات (آیات سورهٔ بقره دربارهٔ روزه)

مورد دوم از آیات کریمهٔ قرآن، آیهٔ ۱۸۷ سورهٔ بقره است:

﴿أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيامِ الرَّفَثُ إِلى نِسائِكُمْ هُنَّ لِباسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِباسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتابَ عَلَيْكُمْ وَ عَفا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَ ابْتَغُوا ما كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيامَ إِلَى اللَّيْلِ

وَ لا تُبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عاكِفُونَ فِي الْمَساجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلا تَقْرَبُوها كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آياتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾؛

آمیزش جنسی با همسرانتان، در شبِ روزهایی که روزه می‌گیرید، حلال است. آنها لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). خداوند می‌دانست که شما به خود خیانت می‌کردید؛ (و این کار ممنوع را انجام می‌دادید؛) پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آنها آمیزش کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته، طلب نمایید! و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید صبح، از رشتهٔ سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید! و درحالیکه در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید! این، مرزهای الهی است؛ پس به آن نزدیک نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می‌سازد، باشد که پرهیزکار گردند!

در ابتدای آیه می‌فرماید: **﴿أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيامِ الرَّفَثُ إِلى نِسائِكُمْ﴾**؛ یعنی «رفث» (همبستری و بهره‌برداری جنسی از همسر) را در شب‌های ماه رمضان (شب‌های روزه‌داری) بر شما حلال کردیم. این حلیت تا چه زمانی ادامه دارد؟ می‌فرماید در «لَيْلَةَ الصيَام». عبارت «ليلة الصيام» در اینجا ظرف است؛ یعنی این حلیت در بستر «شب روزه» محقق می‌شود.

سپس برای تعیین محدودهٔ این شب می‌فرماید: **﴿وَ ابْتَغُوا ما كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ﴾** (همین حلیت را طلب کنید)، و در ادامه می‌افزاید: **﴿وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ﴾**.

این عبارت به‌وضوح نشان می‌دهد که از منظر قرآن، «ليلة الصيام» به‌مجرد آشکار شدن رشته سپیدهٔ صبح (خيط ابيض من الفجر) پایان‌یافته تلقی می‌شود. اگر خیط ابیض آشکار شد، لیلة الصیام تمام است. این امر خود نشان‌دهندهٔ آن است که پایان لیل و پایان لیلة الصیام، ظهور «خیط ابیض» (فجر صادق) است، نه طلوع خورشید. لذا در ادامهٔ آیه می‌فرماید: **﴿ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾**.

استدلال به دستهٔ سوم آیات (آیات سورهٔ مدثر)

مورد سوم، آیات سورهٔ مدثر است که می‌فرماید:

﴿وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ * وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ﴾[1]؛

و به شب، هنگامی که [دامن برچیند و] پشت کند * و به صبح، هنگامی که چهره بگشاید.

از این آیات نیز استفاده می‌شود که با فرا رسیدن صبح ـ که قطعاً منظور طلوع فجر است ـ شب پشت می‌کند و به پایان می‌رسد. در این دو آیه، دو نکتهٔ ظریف وجود دارد:

❖ **نکتهٔ اول:** اصل تقابل. از تقابل میان این دو آیه می‌فهمیم که صبح زمانی فرا می‌رسد که شب پایان می‌یابد. می‌فرماید: ﴿وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ * وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ﴾. این مقابله نشان می‌دهد که صبح جایگزین شب می‌شود؛ پس تا زمانی که صبح نیامده، شب ادامه دارد و با آمدن صبح، شب خاتمه می‌یابد.

❖ **نکتهٔ دوم:** تفاوت ظریف میان «إذْ» و «إذَا». در آیهٔ نخست فرموده: ﴿وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ﴾ (هنگامی که شب به پایان می‌رسد)؛ اما در آیهٔ دوم در مقابل آن نمی‌گوید «والصبح إذ أسفر»؛ بلکه می‌فرماید: ﴿وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ﴾. واژهٔ «إذا» ظرف زمان مطلق است و به زمان روشنایی صبح (إسفار) اشاره دارد که آن را با «إذ أدبر الليل» مقارن می‌داند.

معنا چنین است: «والليل حينما أدبر، و ظهر الصبح أو أسفر الصبح»؛ سوگند به شب هنگامی که به پایان می‌رسد، و صبحی که فرا می‌رسد (و روشن می‌شود). واژهٔ «إذ» در «إذ أدبر» اشاره به گذشته دارد؛ یعنی ابتدا شب به پایان می‌رسد، آنگاه صبح ظهور می‌کند. از این تفاوت کاربرد «إذ» و «إذا» می‌فهمیم که صبح دقیقاً زمانی فرا می‌رسد که شب پایان یافته باشد.

البته همان‌طور که بیان شد، آیات متعددی در این خصوص وجود دارد که صاحب جواهر و پیش از ایشان علامهٔ مجلسی به آنها پرداخته‌اند، اما نیازی به طرح همهٔ آنها ندیدیم.

پرسشگر: آیا منظور از إسفار همان طلوع خورشید (طلوع شمس) نیست؟

استاد: خیر! إسفار یعنی ظهور و روشن شدن. همان زمانی که «خیط ابیض» (فجر) می‌آید، «أسفر الصبح» محقق می‌شود. هیچ‌کس نگفته است «أسفر» یعنی «إذَا طَلَعَت الشَّمْسُ»! به طلوع آفتاب «إسفار صبح» نمی‌گویند؛ بلکه به آن «إضاءت» می‌گویند (مثل «الشمس إذا أضاءت»).

---

۱. سورهٔ مدثر: ۳۳ و ۳۴.

إسفار یعنی روشن شدن، و این روشن شدن مربوط به صبح (قبل از طلوع آفتاب) است. به فجر، إسفار صبح می‌گویند. این موضوع جای بحث ندارد و در استعمالات عربی مسلّم است که «أسفر الصبح» یعنی «ظهر الصبح» که با طلوع فجر صادق و پدیدار شدن خیط ابیض حاصل می‌شود.

دلیل چهارم: استدلال به روایات در پایان یافتن شب با فجر

دلیل چهارم بر اینکه شب با طلوع فجر پایان می‌یابد، روایات است. روایات در این باب فراوان است، اما ما بدون قصد تطویل، سه طایفه از آنها را به‌عنوان نمونه بررسی می‌کنیم.

طایفهٔ اول: قضا شدن نماز شب با طلوع فجر

طایفهٔ اول، روایاتی هستند که دلالت دارند زمان ادای نماز شب با طلوع فجر پایان می‌یابد. اگر کسی بخواهد پس از طلوع فجر نماز شب بخواند، باید نیت قضا کند.

نماز شب همان‌طور که از نامش پیداست، «صلاة اللیل» است. وقتی این نماز با طلوع فجر قضا می‌شود، نشان‌دهندهٔ آن است که ظرف آن (یعنی اللیل) به پایان رسیده است. این خود قرینه‌ای است بر اینکه شب با طلوع فجر پایان می‌پذیرد و خواندن این نماز پس از فجر، قضا محسوب می‌شود.

به‌عنوان نمونه، مصحّحهٔ مفضّل بن عمر. البته دربارهٔ وثاقت مفضّل بن عمر بحث است. هرچند ما در اینجا قصد بررسی سندی نداریم؛ اما رجال سند این روایت همگی ثقه هستند، جز مفضّل که دربارهٔ او اختلاف است و برخی به دلیل روایاتی که در مذمتش وارد شده، او را تضعیف کرده‌اند.

پرسشگر: آیا متهم به واقفی بودن است؟

استاد: خیر، متهم به واقفیت نیست؛ اما روایاتی در مذمت او وجود دارد. اعتقاد ما این است که مفضّل از خواص اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام بوده و جلالت قدر فراوانی داشته است؛ تا جایی که وکیل مالی امام صادق علیه السلام در کوفه بوده و امور مالی ایشان را اداره می‌کرده است. روایات متعددی نیز در فضیلت او وارد شده است.

ما قویاً معتقدیم که صدور روایات مذمت دربارهٔ اصحاب خاص ائمه ـ نظیر زراره و مفضّل ـ برای دفع خطر از آنها و ایجاد پوشش امنیتی بوده است ـ چنان‌که خود امام صراحتاً دربارهٔ زراره چنین

پیامی فرستادند_. لذا ما قائل به جلالت قدر و وثاقت مفضّل هستیم و روایات جرح او را تقیه‌ای می‌دانیم؛ به همین دلیل به این روایت «مصحّحه» می‌گوییم.

روایت چنین است:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللَّهِ عليه‌السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ تَفُوتُنِي صَلَاةُ اللَّيْلِ فَأُصَلِّي الْفَجْرَ؛

فدایت شوم، وقت نماز شب تمام می‌شود و من نماز فجر [صبح] را می‌خوانم.

«فَلِي أَنْ أُصَلِّيَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ مَا فَاتَنِي مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَ أَنَا فِي مُصَلَّايَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ؟»

آیا می‌توانم پس از نماز صبح، درحالیکه در مصلای خود نشسته‌ام و هنوز آفتاب طلوع نکرده، نماز شبی را که از من فوت شده است قضا کنم؟

دقت کنید؛ سائل می‌گوید: «مَا فَاتَنِي» (آنچه از من فوت شده). پس پیش از طلوع آفتاب نیز نماز شب برای او «فوت شده» محسوب می‌شود! فوت شدن بدین معناست که شب با طلوع فجر به پایان رسیده و زمان نماز شب تمام شده است و این نماز اکنون «صلاة فوتیه» است. او نمی‌پرسد: «آیا می‌توانم نماز شب را در وقتش بخوانم؟» بلکه می‌گوید: «فاتنی»؛ یعنی وقت ادا سپری شده و زمان قضاست.

حضرت نیز در ادامه می‌فرمایند:

«فَقَالَ: نَعَمْ، وَ لَكِنْ لَا تُعْلِمْ بِهِ أَهْلَكَ فَيَتَّخِذُونَهُ سُنَّةً»[1]؛

بله می‌توانی، اما این را به خانواده‌ات نگو تا آن را به سُنّت و عادت تبدیل نکنند.

یعنی گمان نکنند که وقت ادای نماز شب تا پیش از طلوع آفتاب است. این کار تنها برای موارد اضطراری و فوت غیراختیاری مجاز است.

روایت دیگر در این طایفه، روایت جمیل بن درّاج است، قال:

«قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ [امام کاظم عليه‌السلام] عَنْ قَضَاءِ صَلَاةِ اللَّيْلِ بَعْدَ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، فَقَالَ: نَعَمْ»[2].

---

١. **وسائل الشیعة**؛ کتاب الصلاة، ابواب المواقیت، ب ٣٩، ح ١٥. و ب ٥٦، ح ٢.

٢. همان؛ ب ٣٩، ح ١۴. و ب ٥۶، ح ١.

در این روایت صراحتاً واژهٔ «قضاء» به‌کار رفته است. اینکه نماز نافلهٔ شب پس از طلوع فجر قضا می‌شود، دلالت بر این دارد که پس از فجر، دیگر شب (لیل) نیست.

طایفهٔ دوم: تصریح روایات بر پایان یافتن شب با طلوع فجر

طایفهٔ دوم، روایاتی هستند که از لسان خود آنها مستقیماً استفاده می‌شود که شب با طلوع فجر به پایان می‌رسد؛ نه صرفاً به واسطهٔ واژهٔ فوت یا قضا.

یکی از این موارد، صحیحهٔ اسماعیل بن جابر (یا عبدالله بن سنان) است. راوی تردید دارد که روایت را از کدام‌یک شنیده است؛ اما چون هر دو ثقه هستند و سایر راویان سند نیز موثق‌اند، روایت در هر حال صحیحه است.

«قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللَّهِ عليه‌السلام: إِنِّي أَقُومُ آخِرَ اللَّيْلِ وَ أَخَافُ الصُّبْحَ، قَالَ: اقْرَأْ الْحَمْدَ وَ اعْجَلْ وَ اعْجَلْ»[1].

سائل می‌گوید: «در آخر شب برمی‌خیزم و می‌ترسم که صبح فرا برسد (خوف صبح دارم)». چرا از صبح می‌ترسد؟ زیرا با آمدن صبح، شب تمام می‌شود! از این عبارت به‌روشنی استفاده می‌شود که طلوع صبح، نقطهٔ پایان شب است.

حضرت می‌فرمایند در چنین مواقعی که خوف فرارسیدن صبح و تنگی وقت را داری، نماز را خلاصه‌تر بخوان و فقط به خواندن سورهٔ حمد اکتفا کن (وگرنه خواندن سورهٔ حمد که در تمام نمازها واجب است).

پرسشگر: آیا استدلال به این روایت از باب اطلاق است؟

استاد: خیر، در اینجا نیازی به تمسک به اطلاق یا اثبات «در مقام بیان بودن» نیست. در جایی به اطلاق تمسک می‌کنیم که بخواهیم از سکوت متکلم چیزی بفهمیم؛ اما در اینجا، خود عبارت «أَخَافُ الصُّبْحَ» با دلالت التزامی واضح (دلالت اقتضاء) دلالت می‌کند که صبح، پایان شب است. چرا سائل می‌گوید در آخر شب می‌ترسم صبح بیاید؟ چون اگر صبح بیاید، شب تمام شده است و وقت نماز شب می‌گذرد. خود نماز صبح که ترسی ندارد؛ ترس او از پایان یافتن شب و فوت شدن وقت ادای نماز شب است.

روایت دیگر در این طایفه، صحیحهٔ علی بن عبدالعزیز است:

---

۱. همان؛ ب ۴۶، ح ۱. و ب ۵۵، ح ۲.

«قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللَّهِ عليه‌السلام: أَقُومُ وَ أَنَا أَتَخَوَّفُ الْفَجْرَ، قَالَ: فَأَوْتِرْ، قُلْتُ: فَأَنْظُرُ وَ إِذَا عَلَيَّ لَيْلٌ، قَالَ: فَصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ»[1].

سائل می‌گوید: برمی‌خیزم درحالیکه خوف فرارسیدن فجر را دارم. حضرت می‌فرمایند: «فَأَوْتِرْ» (همان سه رکعت نماز شفع و وتر را بخوان تا وقت درک شود). سائل می‌گوید: سپس نگاه می‌کنم و می‌بینم هنوز شب است! حضرت می‌فرمایند: «در این صورت، بقیهٔ نماز شب را نیز بخوان».

در اینجا تأکید بر همان واژهٔ «أَتَخَوَّفُ الْفَجْرَ» است؛ چرا از فجر می‌ترسد؟ چون با طلوع فجر، شب به پایان می‌رسد. وقتی سائل نگاه می‌کند و می‌بیند فجر طلوع نکرده و همچنان شب است، دلالت بر این دارد که تا زمانی که فجر طالع نشود، شب همچنان ادامه دارد.

بررسی طایفهٔ سوم از روایات برای جلسهٔ آینده بماند ان‌شاءالله.

و صلی الله علی محمد و آل محمد

موسسه حفظ و نشر آثار آیت الله اراکی

۱. همان؛ ب ۴۶، ح ۸.